

این شماره  
ویژه فلسفه



نشریه

# دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

علمی - پژوهشی

شماره ۵۶  
تابستان ۱۳۸۱ خورشیدی

## گذر از روش‌شناسی علم به روش‌ستیزی علم\*

علی حقی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

فلسفه علم در سده بیستم فراز و نشیب بسیار پیمود. کارل پوپر، فیلسوف نام‌آور این سده، در دفاع از فلسفه علم منطقی - دستوری جهاد بلیغ کرد. دو رکن رکن فلسفه پوپر یکی عقلانیت - عقلانیت انتقادی - است و دو دیگر رئالیسم است. نیز گفتنی است که پوپر در معرفت‌شناسی از نسبی‌گرایی گریزان است و آن را قسمی بیماری می‌داند. او از نیل به حقیقت و به تعبیر خود او تقرب به حقیقت دم می‌زند. فیلسوفان علم بعد از پوپر، خاصه توماس کیون، ایمره لاکاتوش و فایرابند، با تصویری که از تاریخ علم دادند، از آرمان‌های پوپر روی برتافتند و فلسفه علم تاریخی - توصیفی را جایگزین فلسفه علم منطقی - دستوری کردند. در این نوشتار، به اختصار، از این سه فیلسوف علم و نسبت آنان با پوپر و فلسفه علم وی سخن می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌های پژوهشی، تعویض مسأله، تاریخ درونی علم، تاریخ بیرونی علم، علم متعارف، علم انقلابی، پارادایم، انقلاب علمی، تحول گشتالت، روش‌ستیزی، جرعه جزمی، ایدئولوژی نسبی‌گرایی.

\* - تاریخ وصول: ۱۳۸۱/۴/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۱/۷/۱۶.

## درآمد

منتقدان و حریفان پوپر سه فیلسوف نام‌آور علم، ایمره لاکاتوش، توماس کیون و پل فایرابند بودند. از این میان پوپر به انتقاد توماس کیون از فلسفه علم‌اش روی خوش نشان داد و آن را پسندید. وی به نظریات و انتقادات لاکاتوش و فایرابند از فلسفه علم‌اش روی خوش نشان نداد و بل آنها را آرای توطئه‌آمیز انگاشت که به زعم وی این دو فیلسوف علم به قصد براندازی فلسفه علم او مطرح کرده‌اند.

از این اختلاف نظرها که بگذریم، گفتنی است این سه فیلسوف علم، آرای متغذ و در خور تأملی دارند که در این نوشتار به وجه تطبیقی و انتقادی مورد بحث قرار گرفته‌اند. اکنون به شمه‌ای از این آرا اشارت می‌کنیم. از نظر پوپر، معیار علمی بودن، ابطال‌پذیری است. در مکتب پوپر تئوری‌ها و در نزد لاکاتوش برنامه‌های پژوهشی - که کلاف‌های به هم بافته و غامضی از تئوری‌ها هستند - معروض ابطال واقع می‌شوند. فلسفه علم لاکاتوش و روش‌شناسی او ناظر و معطوف به بازسازی عقلانی تاریخ علم است و نه هم چون پوپر مقصور و منحصر به جراحی منطقی علم. این ویژگی هر چه از پوپر به سوی لاکاتوش برویم، عمیق‌تر و مؤکدتر می‌شود. در علم‌شناسی لاکاتوش، تاریخ علم، دست مایه فیلسوف علم و چراغ نظریه‌پردازی‌های علم‌شناسانه اوست. پوپر و لاکاتوش را می‌توان به اوج رساننده و پایان رساننده فلسفه علم منطقی - دستوری دانست. در آثار اینان اعتقاد و التزام به روش و منطق و توصیه‌های روش‌مندان به عالمان و پرهیز از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عالمان، نیک آشکار است. با ظهور لاکاتوش، گرایش بیشتر به تاریخ علم و تسلیم به سرکشی عالمان در برابر فتوای منطق و روش‌شناسی و گردن نهادنشان به ابطال یا اثبات و یا دل بستنشان به تبصره‌های کارساز موضعی (*ad hoc adjustments*) غلبه و قوت بیشتر می‌یابد و فلسفه علم به تاریخ علم آمیخته‌تر می‌گردد.